

## ۸ مارس امسال، فرصت مهر باطل زدن به نظام زن ستیز است!

### مصاحبه با مینا احدی



**آزادی زن:** به نظر شما ۸ مارس امسال از چه جایگاه و موقعیتی در کل تحولات سیاسی که در پیش داریم برخوردار خواهد بود؟  
**مینا احدی:** ۸ مارس امسال میتواند به یکی از نقطه

عطفهای مهم در تاریخ تحولات سیاسی در ایران تبدیل شود. سنتا مردم و زنان در ایران هشت مارس را گرمی میدارند و این روز همواره روز اعتراض به بی حقوقی و ستم بر زنان بوده است. در سالهای اخیر بویژه زنان ایران هشت مارس را روز مهمی در اعلام اعتراض به کلیت رژیم اسلامی و به زیر پا انداختن سمبلهای این رژیم و مهمتر از همه حجاب تبدیل کرده اند. امسال در شرایطی که استقبال هشت مارس میرویم که جمهوری اسلامی ایران از پائین

با موجی از اعتراضات و مبارزات کارگران، معلمان و زنان و دانشجویان مواجهه بوده و هست. نفرت از رژیم و آرزوی سرنگونی این حکومت یک امر همگانی است. چشم انداز یک انقلاب بر علیه حکومت اسلامی هر روز بیشتر میشود. از سوی دیگر در سربالایی که حکومت با آن مواجه شده، اسبها نیز همدیگر را گاز میگیرند. بحران اخیر در حکومت و استعفای بخشی از نمایندگان دوزخدای مجلس،

جنگ و دعوا در مورد انتخابات، همه و همه تصویر حکومتی را نشان میدهد که در بحرانی کامل غوطه ور است و امکان از دست رفتن رشته از دست هر دو جناح رژیم یک امکان واقعی است. در چنین شرایطی یک فاکتور مهم که میتواند اوضاع را کاملا به نفع مردم بچرخاند، دخالت فعال مردم، به میدان آمدن آنها و مبارزه با هر دو جناح و حرکت برای سرنگونی حکومت اسلامی

است. هشت مارس امسال میتواند به یک نقطه عطف در اعلام انزجار زنان و مردم از حکومت ضد زن اسلامی تبدیل شود. حکومت اسلامی با هر دو جناحش کارنامه سیاهی از تحقیر و خشونت و کشتار و سرکوب سیستماتیک زنان را یدک میکشد و زنان و مردم در هشت مارس امسال میتوانند و باید برای به زیر کشیدن این حکومت فاشیست و زدن مهر باطل به همه قوانین صفحه ۲

## سخنی با فعالین آزادی زن برای تدارک ۸ مارس!



مهرونوش موسوی

۸ مارس روز جهانی زن بزودی فرا میرسد. از مدتها قبل فعالین و دست اندرکاران جنبش آزادی زن مشغول تدارک برگزاری این روز در ایران هستند. در تهران، شیراز، مشهد، کرج، تبریز، کرمانشاه، سنندج، قزوین، ساری و گچساران و شهرهای دیگر، جمعها و محافل متعددی برای برپایی این روز تشکیل شده است. نحوه برگزاری ۸ مارس و کاراکتر و خصوصیتی که امسال باید به خود بگیرد و اینکه چه باید کرد؟ مهمترین مشغله فعالین ما در این جمعهاست. ۸ مارس امسال در دل تحولات و اوضاع

مورد تعرض است. از این رو جبهه را باید به همین گستردگی دید و به مقابله با آن برخاست. ما با برپایی این کمپین به این جنبش و دادگاههایش اعلام جنگ داده ایم. **آزادی زن:** هدفتان از این کمپین چیست؟ چه مطالباتی دارید؟  
**هما ارجمند:** هدف روشن است. نباید گذاشت این دادگاهها شکل گیرد و یا رسمیت یابند. اینجا زمین بازی دستشان نیست و نباید هم گذاشت به دستشان بیفتند. نیروی عظیم سکولار، مترقی و بشردوست را باید به میدان آورد و با اتکا به آنها این حرکت را به شکست کشاند. تمام کوشش ما در همین راستا است. به این هم نباید بسنده کرد. اینها یک مجموعه ای از کارها را برای صفحه ۳

## مصاحبه با هما ارجمند مسئول

### کمپین علیه برپایی دادگاههای شریعه در کانادا



**آزادی زن:** تنها شنیدن اسم دادگاههای شریعه در کانادا، آدم را متعجب می کند، جریان چیست؟  
**هما ارجمند:** جریان از این قرار است که تعدادی گروه اسلامی در تورنتو با هم جمع شده اند تا به یک آرزوی دیرینه، ارتجاعی و ضد زن خود جامعه عمل بپوشانند. ایجاد دادگاههای اسلامی در کانادا در راستای تحقق این سیاست است. اینان با استفاده از لایحه جدید ایالت انتاریو کانادا تحت عنوان

"لایحه حکمیت انتاریو" خواهان آن هستند تا دادگاههای اسلامی را به سیستم قضایی کانادا تحمیل کنند تا از این طریق هر چه بیشتر دخالت مذهب در زندگی خصوصی مردم را تامین کند. در کنگره شان در اکتبر ۲۰۰۳ حتی ۳۰ نفر را انتخاب و مامور کرده اند که مقدمات ایجاد دادگاههای اسلامی را فراهم کنند. بدست باید گفت که این یک حرکتی مجزا و منزوی فقط در کانادا نیست. در چند ماه گذشته جنبش اسلام سیاسی در غرب با برافشاندن پرچم حقوقی، فرهنگی و اجتماعی میدان مقابله با رغیب را به خود غرب کشانده است. فرانسه، آلمان، سوئد نمونه های متاخر است. در همه جدالهای این چنینی که اساسا بر سر سهم خواهی جنبش اسلام سیاسی است، مردم قربانیان اصلی هستند. زنان و کودکان و حقوق پایه اشان

## ۸ مارس امسال

و سنتهای ارتجاعی اسلامی و ضد زن به میدان بیایند. **آزادی زن:** آیا امکان برگزاری علنی و گسترده ۸ مارس را در تصویر میبینید؟

**مینا احدی:** با توجه به جنبش عظیم اجتماعی برای لغو قوانین اسلامی ضد زن و دفاع از حقوق و انسانیت زنان، و با توجه به وجود سمپاتی به مبارزات و اعتراضات زنان و همچنین با توجه به وضعیت بهم ریخته رژیم، کاملاً امکان چنین امری فراهم است. از دو سال قبل زنان و فعالین جنبش برابری طلبانه در ایران کوشیده اند، هر آنجا که امکانش بوده، مراسم و میتینگ و جلسات علنی برگزار کنند. امسال بنظر من نه فقط باید جلسات و کنفرانسهای بزرگ و علنی را سازمان بدهیم، بلکه حتی الامکان تظاهراتها و میتینگهایی را باید سازمان داد که در آن زنان و مردان یکپارچه اعتراض خود را به حجاب اسلامی، به آپارتاید جنسی و قوانین ضد زن اسلامی ابراز داشته و مهر خود را بر مبارزات سرنوینی طلبانه در ایران بزنند. **آزادی زن:** برای تدارک ۸ مارس چه باید کرد؟

**مینا احدی:** البته فعالین و دست اندرکاران جنبش برابری طلبانه زنان از مدتها قبل دست به کار شده اند. بنظر من با نزدیک شدن هشت مارس باید به این فعالیتها شدت و حدت بیشتری بخشید. باید از هم اکنون برنامه کارهایمان در هشت مارس را در هر شهر و یا مرکزی معلوم کنیم. باید سعی کنیم در همه شهرهای بزرگ و یا کوچک و در مراکز کارگری، در دانشگاهها و محیط های کار، همه جا این روز را گرمی بداریم. برگزاری کنفرانسها و یا سمینارهایی در مورد ابعاد بی حقوقی زنان در ایران و در اسلام، راههای مبارزه با این قوانین و همچنین خواستهای اثباتی خودمان برای بهبود و ایجاد تغییرات جدی در زندگی زنان یک مسئله مهم است. برگزاری میتینگها و یا تظاهراتهای بزرگ و علنی میتواند بویژه با توجه به روند اوضاع در ایران در دستور کار ما باشد. در این میتینگها حتماً باید حجاب اسلامی را بعنوان سمبل و نماد حکومت اسلامی و اسلام سیاسی به آتش کشید و زیر پا له کرد. در این میتینگها همچون سالهای قبل باید صفوف متحد زنان و مردان

حرکت کنند و علیه جدا سازی و آپارتاید جنسی شعار بدهند. از هم اکنون میتوان انواع ابتکارات را برای جلب توجه عمومی به هشت مارس در دستور گذاشت. **آزادی زن:** طرح چه شعارها و مطالباتی را مهم میدانید؟ چرا؟ **مینا احدی:** قبل از اینکه اثباتاً بگویم چه شعارهایی مهم است، علاقمندم در اینجا کوتاه به یک نکته مهم اشاره کنم. در جنبش برابری طلبانه زنان در ایران، خواستها بسیار عمیق و زیر بنایی است. هر زن تحت ستمی در ایران که فقط دو روز در این مملکت نفس کشیده باشد، میدانند که حکومت اسلامی با همه قوانین ضد انسانی و ضد زنش به عهد عتیق تعلق دارد و باید برود. همین زن فرضی میدانند که سنتها و نرملهایی که به زن بعنوان مایملک مرد نگاه کرده و از ناموس و شرف و پرده بکارت و غیره به اصطلاح دفاع میکنند، نیز چیزی جز قتل ناموسی و به بردگی کشیدن زنان را برای آنها به ارمغان نمی آورد. پس زن و دختری که در این جامعه زندگی کرده و درد و رنج عمیق همه این قوانین و سنتها و فرهنگ ضد انسانی را چشیده باشد،

میخواهد و میتواند زیر همه این مزخرفات بزند و در دنیای امروز از آزادی کامل و رهایی خودش حرف بزند و آنرا پراتیک کند. این همان جنبش عمیقی است که ما به آن استناد میکنیم و از آن نیرو میگیریم و حرف همین جنبش را میزنیم. جنبشی علیه حکومت اسلامی، جنبشی برای تغییرات عمیق اجتماعی. در ایران اما بویژه در سالهای اخیر، با جست و خیزهایی در بالای حکومت، با شعار اصلاحات در حکومت، با حرکتی مواجه بودیم که بخشا امکانات کار علنی را نیز داشت و همین شعار به بن بست رسیده و کهنه و دمده، اصلاحات در حکومت و اصلاحات در قوانین و یا بدتر از همه اصلاحات در خود اسلام را جار میزد. از ملاقات با آخوندهای ریش و پشم دار حکومتی برای قانع کردن داینازورها به قبول یک ذره از حقوق زنان، تا اعلام اینکه حجاب زیاد مهم نیست و تا بی توجهی کامل به سنگسار زنان و یا خواست لغو قوانین اسلامی، و غیره. این جریان که امسال فکر میکنم وضعش وخیم تر از همیشه است، باید در هشت مارس امسال منزوی تر از قبل شده و باید فعالین جنبش برابری

طلبانه زنان، حرف و نقد خود را مطرح کرده و واقعا از شعارها و خواستههایی دفاع کنند که ذره ای تخفیف به اسلام و اسلام سیاسی و حکومت و بطریق اولی هیچ جناحی از این حکومت در ایران ندهد. شعارهای ما امسال باید علیه حجاب اسلامی، علیه قوانین اسلامی باشد. در عین حال شعارهای ما دفاع از آزادی و برابری و انسانیت و حقوق کامل زنان است.

**آزادی زن:** در خارج کشور، چگونه باید به استقبال ۸ مارس رفت؟

**مینا احدی:** در خارج کشور نیز تدارکات شروع شده و طبعاً باید گسترش یابد. در اینجا ما درگیر با یک بحث حاد و مهم نیز شده ایم که به ما بسیار مربوط است. بحث ممنوعیت مظاهر مذهبی در ادارات و آموزش و پرورش و ضد حمله اسلام سیاسی به بنیادهای جامعه سکولار و حقوق انسانی در قلب اروپا، بحث مهمی است که رنگ خود را به فعالیتهای ما در خارج کشور خواهد زد. امسال نیز ما باید در همه کشورهای اروپایی متحدانه به خیابان آمده و بر علیه حکومت صفحه ۵

## شرکت آذر ماجدی در میزگرد پاریس،

## برای برابری حقوق زن و مرد، دفاع از سکولاریسم

روز پنجشنبه، ۵ فوریه، به دعوت چندین سازمان مدافع حقوق زنان و لائیک، میزگردی پیرامون مسائل و حقوق زنان، سکولاریسم و تقلاهای اخیر جنبش اسلامی برگزار میشود که از آذر ماجدی نیز به عنوان رئیس سازمان آزادی زن دعوت به عمل آمده است. در این میزگرد هشت تن دیگر به این نامها شرکت دارند:

- \* آنا ماری لیزن، سناتور بلژیک، نویسنده طرح قانون و لایحه ممنوعیت مظاهر مذهبی در بلژیک
- \* ایوت رودی، وزیر سابق حقوق زنان
- \* کارینه له پچ، حقوقدان، وزیر سابق محیط زیست
- \* محمد عابدی، سخنگوی نهاد نه فاحشه نه مطیع
- \* برنارد تپر، رئیس اتحادیه حقوق خانواده های لائیک
- \* جین کلود سانتانا، معلم مدرسه در شهر لیوان
- \* کبیر جبیل، رئیس جنبش مراکشی های لائیک در فرانسه
- \* گی پتک، مدیر انجمن Elele
- \* آنه زلنزی، رئیس لیگ حقوق زنان و مجری این میزگرد
- \* پییر کاسان، هماهنگ کننده و فراخوان دهنده ۵ جریان لائیک

محل: پاریس، خیابان Paris, le 5 février, à 19 h 30 gymnase Auguste Renoir

1, square Auguste Renoir, 75014 (métro Porte de Vanves)

## پیش بسوی آزادی زن!

## جمع های آزادی زن را تشکیل دهید!

با ما ارتباط بگیرید.

نشریه آزادی زن را بخوانید، تکثیر و توزیع کنید. شعارهای سازمان آزادی زن را تبلیغ کنید و شعار نویسی کنید.

اخبار مبارزات و گزارش وضعیت زنان را برای ما سریعاً ارسال کنید.

جمع های خود را گسترش دهید.

از طریق نشریه آزادی زن تشکیل جمع خود را اعلام کنید. سایت ما [www.azadizan.com](http://www.azadizan.com) را به مردم معرفی کنید.

در مبارزات و اعتراضات مردم با شعارهای آزادی زن، زنده باد آزادی و برابری، مرگ بر حجاب اجباری، آپارتاید جنسی لغو باید گردد شرکت کنید.

دوستان و آشنایانتان را به پیوستن به سازمان آزادی زن تشویق کنید.

برای سازمان آزادی زن کمک مالی جمع آوری کنید.

## نابود باد حجاب اجباری

ادامه

## سخنی با فعالین آزادی زن

## برای تدارک ۸ مارس!

۱- باید تلاش کرد که ۸ مارس امسال از هر جنبه، یک کاراکتر تعرضی، رادیکال داشته و ابراز وجود علنی خود را به نظام تحمیل کند.

۸ مارس امسال را باید در تجمعات علنی در پارکها، میادین شهرها، خیابانها، دانشگاهها، مدارس برگزار کرد. رسماً باید اعلام کرد که ۸ مارس امسال در مناطق مختلف شهرهای بزرگ، در تجمعات مرکزی و از قبل مشخص شده صورت میگیرد. باید تلاش کرد که ولو در شرایط برگزاری جلسات و تجمعات در سالنها که بسیار مهم و جالب است، در عین حال ۸ مارس روز به خیابان آمدن زنان و مردان آزادیخواه و روز ابراز وجود علنی این جنبش نه به ستم و تبعیض علیه زن باشد.

امکان برگزاری این تجمعات، نظر به وضعیت بسیار وخامت بار حکومت اسلامی از یکسو، شکاف و بحران عمیق حکومتی که با آن دست بگریباندند و همچنین قدرت و نفوذ و مقبولیت جنبش آزادی زن و اعتباری که ۸ مارس در همین چند سال اخیر نصیب خود کرده است وجود دارد. شدنی است. در کلیه این تجمعات باید شرایطی فراهم کرد که در تربیونهای آزاد، زنان و دختران جسور و مدعی آزادی و حرمت زن ادعانامه های خود را بیان کنند. باید صدای حق طلبی زنان را بلند و مدافعین کاسه لیس دوم خردادی حکومت را که مدعی آشتی حقوق بشر و غرورند به درگاه رهبر هستند را افشا و رسوا کرده سر جایشان نشاند. ۸ مارس جای اینها نیست.

تمام این اقدامات در گرو این است که مکان و موقعیت مهم ۸ مارس برای شناساندن این جنبش و حک کردن مطالباتش بر سینه جامعه از یکسو و فرصتی که برای ابراز وجود علنی و تعرضی جنبش فراهم شده را دریابیم. به قول یکی از فعالین آزادی زن، افزایش نفوذ و قدرت ما در گرو شناساندن

هر چه بیشتر ماست. ۸ مارس یکی از متعارفترین نقطه عطفهای جنبش ما برای شناساندن قدرت این جنبش رودرروی نظام خشونت بار و مردسالارانه حاکم در دل یک شرایط نامتعارف است.

۲- در ۸ مارس امسال باید مارک جنبش آزادی زن را به این اعتراض زد. این روز، روز استغاثه برای اصلاح این یا آن بند قانون و آشتی دادن اسلام و قوانینش با آن دیگری نیست. این ترفندها شکست خورده است.

این روز روز اعتراض جهانی علیه ستم کشی زن است. این روز روز اعتراض تمام و کمال به نظام سرمایه داری حاکم و ماشین خشونت سیستماتیک و علنی حافظ آن است. روز نه به کلیه مظاهر پنهان و آشکار پایمال شدن حقوق زنان است. ۸ مارس باید پرچم آزادی زن را بر علیه کلیه این تبعیضات بلند کرد. شعارهایی همچون زنده باد آزادی زن، بدون آزادی زن جامعه آزاد نمیشود، نظام سرمایه داری عامل ستم بر زن است، زنده باد آزادی و برابری، نبود باد حجاب اجباری و آپارتاید جنسی ... از جمله شعارهایی است که رنگ رادیکال به ۸ مارس امسال میزند. سال گذشته ابتکارات زیاد و جالبی صورت گرفت که میتوان برای انتقال و تثبیت این تجربیات آن را بدست گرفت. در گوهردشت به همت جوانان محله، چندین ساعت محل به کنترل درآمده، روسریها از سر برداشته و حجاب به آتش کشیده شد، در پل سعدی شیراز نیز حدود ۳۰۰ نفر از فعالین جنبش آزادی زن دست به اقدام مشابهی زدند، در تهران شبنامه هایی به ابتکار این فعالین تهیه و در این روز میان مردم پخش شد، در برخی از شهرهای کردستان روی بسته بندی شکلاتهایی که به مناسبت این روز پخش میشد نوشته شده بود زنده باد آزادی و برابری در شهرهای دیگری تدارک ۸ مارس با قرار دادن کارت تبریک

ادامه

## مصاحبه با هما ارجمند

ایجاد و استمرار تقلابهای صنعت مذهب اسلام در کانادا پیش گرفته اند، از زدن مدارس اسلامی، نمازخانه در دانشگاهها و کالجها تا حجاب کردن بر سر کودکان و ... که باید بر علیه شان وسیعاً مبارزه کرد. مطالبات مان هم روشن است. همانطور که در خود طومار الکترونیکی آمده است، ما خواهان جدایی مذهب از دولت، آموزش و پرورش و سیستم قضایی هستیم. ما مخالف هرگونه فعالیت و مراسم مذهبی ای که با حقوق و آزادی های مدنی و با اصل برابری مردم مغایر است، هستیم. ما مخالف حجاب کردن بر سر کودکان هستیم و آن را خشونت بر علیه کودکان میدانیم.

**آزادی زن:** چه کارهایی تا به حال صورت گرفته است؟

**هما ارجمند:** همانطور که قبلاً گفتم ما با انتشار یک طومار الکترونیکی به این حرکت ارتجاعی اعلام جنگ دادیم. با تعداد وسیعی از مدافعین حقوق زنان و جریانات سکولار تماس گرفتیم. به انگلیسی و فارسی مطالبی در افشای طرح دادگاههای شریعه نوشته و به رسانه های مختلف دادیم که بعضاً چاپ هم شده است. به یک ای میل لیست بزرگی و چندین سایت مختلف طومار و مطالب مان را فرستادیم. تا حال چندین مصاحبه رادیویی داشتیم. و وعده چند برنامه تلویزیونی هم به ما داده اند. به جلسات مختلف فعالین اجتماعی رفتیم و کمپین مان را معرفی کرده ایم. به چند جلسه هم برای سخنرانی دعوت شده ایم.

**آزادی زن:** با چه عکس العملی در میان مردم مواجه شده اید؟

**هما ارجمند:** عکس العمل مردم خارق العاده بوده است. تا حال بیش از هزار نفر طومار ما را امضا کرده اند و هر روز بر تعداد لیست اضافه میشود. شما را به نظرات و نکاتی که در طومار آمده جلب میکنم. آنچنان دلگرم کننده و بعضاً پرحرارتند که نمیخواهیم یک لحظه کار را به زمین بگذاریم. مردم از اقصا نقاط جهان با ما اعلام همبستگی میکنند و مذهب زدایی از جامعه را به محکمی ما تاکید میکنند.

لیست امضا کنندگان طیف وسیعی از زنان و مردان، از وکیل، معلم، دکتر، نماینده مجلس، فعالین اتحادیه های کارگری، نویسنده، استاد دانشگاه و... را دربر میگیرد. چندین گروه و سازمان زنان و حقوق بشری تماس گرفته و خواهان همکاری شده اند. چندین شخصیت مهم جنبش زنان الان با ما همکاری میکنند. در این رابطه روزانه چندین تلفن و نامه از کسانی دریافت میکنم که تا کنون نمی شناختمشان و کمپین ما را تحسین میکنند، سایت و گروه معرفی میکنند و حتی بحثهای جدلی بین خودشان را بر سر این که سیاست ما درست است و یا نه، را برای من میفرستند.

**آزادی زن:** عکس العملهای مخالف چه بوده است؟

**هما ارجمند:** موارد زیادی عکس العمل مخالف نداشتیم. ولی سخنگوی یک گروه زنان مسلمان طی تماسی مطرح کرد که با کمپین ما موافق است و حتی طومار را امضا کرده است ولی با شیوه بیان ما مخالف است. این فرد حتی میخواهد در پانل ما شرکت کند. یکی دیگر از زنان فعال جنبش اسلامی از جنوب آفریقا ساکن تورنتو، که خود مطالب زیادی در نشریات در دفاع از دادگاههای شریعه نوشته است در یک مکالمه تلفنی چند ساعته اذعان داشت "ما اصلاً قصد مان ایجاد دادگاههای اسلامی از نوع ایران و... نیست. اگر قرار باشد که حقوق زن پایمال شود من هم در کنار شما خواهم بود". جریانات اسلامی دیگری تهدید کرده اند که طومار صد هزار نفری در دفاع از دادگاههای شریعه جمع خواهند کرد. در مجموع یک وحشتی در بین جریانات اسلامی ها افتاده که به اشکال مختلف بروز داده اند.

**آزادی زن:** چه اقدامات دیگری برای آینده در دستور دارید؟

**هما ارجمند:** الان در تدارک یک پانل به مناسبت روز جهانی زن، تحت عنوان "دادگاههای شریعه در کانادا و حقوق زنان" هستیم. از فعالین جنبش برابری زنان گرفته تا مدافعین دادگاههای شریعه در کانادا به این پانل دعوت شده اند. یک پانل بزرگ با حداقل ده

## تابلو اعلانات

### دومین نشریه اینترنتی سازمان آزادی زن به زبان انگلیسی به سردبیری مریم کوشا منتشر شد.



دومین نشریه اینترنتی سازمان آزادی زن به زبان انگلیسی مورخ ۱ فوریه ۲۰۰۴ به سردبیری مریم کوشا منتشر شد. مطالب زیر محتوای این شماره نشریه را شامل میشود.

"۱۷ ژانویه، روزی فراموش نشدنی. چرا؟" گزارشی به قلم مریم کوشا در مورد اهمیت مبارزه جنبش سکولار زنان در دفاع از قانون ممنوعیت مظاهر مذهبی در مدارس و موسسات دولتی در فرانسه.

"بازکردن بحث سکولاریسم و حقوق". عنوان بحث مهم و مفصلی است که مریم نمازی در دفاع از حقوق مدنی، بشر، زنان و کودکان کرده است و به انتقادات و استدلالات مخالفین قانون ممنوعیت مظاهر مذهبی در مدارس و موسسات دولتی در فرانسه مفصل پرداخته است.

"زنان در عراق". بیانیه و فراخوانی به قلم نادیه محمود از فعالین سازمان آزادی زن در عراق در مورد مقابله با طرح اسلامی کردن قانون خانواده در عراق.

"به کمپین مقابله با براه اندازی دادگاه های اسلامی در کانادا بپیوندید". فراخوان هما ارجمند هماهنگ کننده کمپین بین المللی در دفاع از حقوق زنان در کانادا است.

"جمهوری اسلامی کانادا؟!". مطلبی از مریم کوشا در محکومیت تلاش سازمانهای اسلامی در کانادا برای براه اندازی دادگاههای اسلامی در کانادا.

### اطلاعیه آغاز برنامه تلویزیونی سازمان آزادی زن

جنبش آزادی زن را به بحث میگذارد. سوالات خود را برای ما بفرستید و مباحثی را که علاقمندید در این برنامه به بحث گذاشته شود با ما طرح کنید. سازمان آزادی زن کلیه علاقمندان را به تماشای این برنامه دعوت میکند.

سازمان آزادی زن  
تلفن: ۰۴۴ ۷۷۸۹۸۰۱۲۵۰

m.kousha@yahoo.co.uk  
azarmajedi@yahoo.com  
www.azadizan.com

"برای آزادی زن" برنامه ای در دفاع از آزادی زن، برنامه ای در افشای زن ستیزی و مردسالاری است.

برای آزادی زن، از سه شنبه ۱۴ بهمن ۱۳۸۲ برابر با ۳ فوریه ۲۰۰۴ هر سه شنبه ساعت ۱۰ شب بوقت اروپای مرکزی، ۱۲:۳۰ شب بوقت تهران در شبکه ماهواره ای کانال ۱ پخش میشود.

"برای آزادی زن" از طریق میز گرد و گفتگو یا صاحب نظران و فعالین جنبش آزادی زن مسائل زنان و مباحث روز و پایه ای

### خطر اعدام بر بالای سر کبری رحمانپور



اخبار روزهای اخیر در ایران حکایت از این دارد که جمهوری اسلامی ایران کماکان در صدد اجرای حکم اعدام کبرا رحمانپور است.

وکیل کبرا رحمانپور اعلام کرده است که به تعویق افتادن اجرای حکم اعدام کبرا از سوی شاهرودی موقتی بوده است و وکیل پرونده امکان تماس گرفتن با خانواده مقتول و گرفتن "بخشش" از آنها را ندارد و ظاهراً به این طریق پرونده به بن بست رسیده است و امکان اجرای حکم اعدام وجود دارد. جمهوری اسلامی ایران در مقابل اعتراضات جهانی و اعتراض وسیع مردم در ایران به حکم اعدام کبرا رحمانپور، موقتاً عقب نشینی کرد و اکنون با بهانه قرار دادن پیدایش نشدن افراد خانواده مقتول، یکبار دیگر قصد تعرض و امتحان کردن فضای عمومی در مورد این حکم را دارد. بر علیه این حکم جنایتکارانه باید ایستاد و باید کمپین جهانی برای نجات جان کبرا را با شدت و حدت بیشتری به پیش برد. ما نباید بگذاریم کبرا رحمانپور به دست جنایتکاران اسلامی به قتل برسد. در یک هفته اخیر رژیم

اسلامی ۶ نفر را در ملا عام اعدام کرده است. در شرایطی که حکومت اسلامی در یک بحران عمیق دست و پا میزند و هر آن امکان تعرض عمومی مردم به حکومت وجود دارد. جمهوری اسلامی به جنایات بیشتری دست زده و چوبه های دار را در مراکز شهرها بر پا میکند. در چنین اوضاعی احتمال اعدام کبرا رحمانپور نیز وجود دارد.

فراخوان ما به همه شما در ایران و در کشورهای اروپایی اینست که بهر طریق ممکن به این حکم جنایتکارانه اعتراض کنید.

سازمان آزادی زن  
۴ فوریه ۲۰۰۴

### به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن

"کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران"  
"کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در عراق"  
برگزار میکند:

#### دادگاههای شریعه در کانادا و حقوق زنان

پانلی با حضور فعالین جنبش برابری طلب زنان از ایران، عراق و کانادا و فعالین اسلامی ارائه دهنده طرح دادگاههای شریعه در کانادا

#### پانلیستها:

**آذر ماجدی**، موسس سازمان آزادی زن و سردبیر نشریه مدوسا

**مریم نمازی**، دبیر فدراسیون سراسری پناهندگان ایران و سر دبیر هفته نامه انگلیسی زبان Brifing

**نادیه محمود**، موسس سازمان آزادی زن در عراق

**اعظم کم گویان**، نویسنده و موسس سازمان دفاع از حقوق زنان در خاورمیانه

**هما ارجمند**، فعال جنبش زنان و مسئول کمپین علیه دادگاههای شریعه در کانادا

**سید ب. سهروردی**، موسس "سازمان مسلمانان علیه تروریسم" و ارائه دهنده طرح دادگاههای شریعه در کانادا

**ممتاز علی**، وکیل مسلمان، ژورنالیست و مبتکر طرح دادگاههای اسلامی در کانادا

**شیدا آیلا**، سخنگوی "انجمن انسان دوستی کانادا" و فعال حقوق زنان

**دکتر ماروین زیاده**، فعال انجمن انسان دوستی کانادا و حقوق بشر

**عایشه دوما**، سخنگوی شورای زنان مسلمان کانادا

(از صاحب نظران دیگری نیز دعوت به عمل آمده که در صورت موافقت آنان در اطلاعیه های بعدی اسامی شان خواهد آمد)

**تاریخ:** یکشنبه ۷ مارس ۲۰۰۴، ساعت ۱۱ صبح تا ۷ عصر  
**مکان:** تورنتو، کانادا (آدرس دقیق بعداً به اطلاع خواهد رسید)

برای اطلاعات بیشتر با هما ارجمند تماس بگیرید: ۴۱۶-۷۳۷۹۵۰۰  
homawpi@rogers.com

## آزار جنسی زن در هر شکلی جرم است!



پروین کابلی

آزار جنسی به زنان در همه دنیا یک مشخصه جوامع امروزی میباشد. نحوه برخورد به این وضعیت هم نشان میدهد که زنان در چه موقعیت و چه شرایطی هستند و جامعه در مقابل این تعرض و توهین چگونه خود را سازمان میدهد و به مقابله با آن میپردازد. در شماره ۵۲ نشریه آزادی زن نمونه هایی از دست درازی و تعرض به زنان، نوشته رها آبی من را یاد خاطره ای انداخت. خاطره ای که با وجود گذشت زمان هنوز هم با جزئیات آن را بیاد میآورم. من کلاس ششم دبستان بودم که معلم مان برای بازدید موزه ای که در نزدیکی مدرسه مان قرار داشت همه ما را به خط کرد. قرار شد با صفی منظم به آنطرف خیابان برویم. آنوقت من در مدرسه شاهدخت سندنج درس میخواندم. برای گذشتن از خیابان پلیس مدرسه که معمولاً از شاگردان قد بلند و بزرگ سال مدرسه انتخاب میشود، آن روز مریم بود. مریم سیاه چهره، موهای وزوزی و قدی بلند داشت. همه ما که همکلاسی او بودیم به نوعی از او حساب میبردیم. مریم با من بیشتر از همه دوست بود. دلیلش هم این بود که مادرش که مادر تنها با ۷ فرزند بود، برای بند انداختن ماهی یکبار به خانه ما میآمد و مادرم سعی میکرد که همسایه ها را جمع کند که او در آمد بیشتری داشته باشد. مریم سعی میکرد در مدرسه با من باشد و به همه گفته بود که ما رفت و آمد خانوادگی داریم. من هم دوست داشتم که با او باشم. چند باری به خانه اشان رفته بودم. فقر و تهیدستی که در اطاقشان موج میزد مرا به گریه می انداخت. هر بار که از آنجا بر میگشتم تا چند روز غمزه بودم. مریم با یک تابلوی که روی آن نوشته شده بود "ایست" در وسط خیابان قرار گرفت و ما هم در صفی بلند

دو نفر دونفر شروع به عبور از خیابان کردیم. تا کپهان متوجه شدم که مردی از پشت به مریم نزدیک شد و با تمام قدرت از جلو دستش را روی آلت تناسلی مریم گذاشت و با دست دیگرش سینه های تازه رشد کرده او را با تمام قدرت فشار داد و با خنده و دوان دوان دور شد. صدای آخ مریم در خیابان و درگوشهای کوچک ما ظنین انداخت. تابلو از دستش افتاد و روی زانو خم شد. ما مات و مبهوت به این صحنه نگاه میکردیم. چند اتومبیل شروع به بوق زدن کردند، چرا که ما خیابان را بند آورده بودیم. معلم مان هراسان به سمت مریم دوید و او را بلند کرد. ما به آنطرف خیابان رفتیم. نمایانم چطور و چه کسی راهنماییمان کرد. همه هراسان بودیم. در پیاده رو دور مریم و معلم مان جمع شدیم. معلم مان مقداری مریم را دلداری داد و بعد راه افتادیم. مریم معمولاً کنار من راه میرفت. خودش را در کنار من قرار داد و راه افتادیم. چند لحظه بعد احساس کردم که دستش را در دستم دارم. دیگر شادی رفتن به موزه از بین رفته بود. آرام آرام گریه میکرد. مریم تا مدتها بعد از این جریان در مدرسه تلاش میکرد که در انزوا و خلوت خود باشد. میدانستم که این حادثه را هرگز در خانه هم بازگو نکرده است. اکنون کجاست و چه سرنوشتی دارد نمیانم. همزمان که این سطور را مینویسم، یاد حادثه ای مشابه دیگر در گوتنبرگ سوئد افتادم. سال گذشته در بحبوحه خرید هدیه های سال نو در مغازه ای فروشنده در مورد کالای مورد نیاز صحبت میکردم که دو دختر جوان حدوداً ۱۳ تا ۱۵ ساله با شتاب بسیار به طرف فروشنده آمدند. یکی از آنها گریه میکرد و دیگری صحبت های من را با فروشنده قطع کردند و او را به گوشه ای برد. فروشنده با عجله به طرف تلفن رفت و نگهبانان داخل پاساژ را خبر کرد. توجه من و چند نفر دیگر به این صحنه جلب شد. بعد از چند لحظه دو نگهبان از راه رسیدند. از صحبتهایشان فهمیدم که مشخصات کسی را به آن میدهند. دختران را به اتاق ویژه پرسنل راهنمایی کردند و نگهبانان با عجله خارج شدند.

من تقریباً مطمئن بودم که کسی جیبشان را زده است. از فروشنده پرسیدم که چی شده، با حالتی عصبانی و تاسف گفتم که مردی خودش را به آنها چسبانده است. روز بعد در ستون اتفاقات شهر روزنامه تیتیر کوچکی با عنوان مردی که "مزاحمت جنسی برای زنان در مرکز شهر بوجود میآورد" دستگیر شد!، دیده می شد. این دو داستان و آنچه که در شماره قبل در باره تعرض جنسی به زنان خواندید، روزمره در همه دنیا اتفاق می افتاد. اما تفاوت در برخورد به این مسئله یعنی آزار جنسی و حفظ حرمت شخص بستگی به این دارد که چگونه حقوق شهروندی انسان ملون شده و حفظ میگردد. همه زنانی که در ایران زندگی میکنند میتوانند صدها نمونه ریز و درشت از آزارهای جنسی را ارائه دهند. نیشگون گرفتن، به سینه دست زدن، شوخی با دختران کم سنی که بدنشان در سن بلوغ فرم عوض میکند، دست رو باسن گذاشتن، متلک ها مسهجن گفتن، همه و همه سیستماتیک هر روزه و هر ساعت بر علیه زنان اعمال میشود. اما سوال این است که چند نفر از زنان تا کنون جرئت کرده اند که از مردی که به آنها متلک میگوید و یا دست درازی نموده است، شکایت کنند. تازه کدام ماده قانونی میتواند از آنها دفاع کند و کدام بحث اجتماعی در مورد این مسئله راه افتاده است که جسم هر انسان حریم شخصی اوست و هیچ کس و هیچ مرجعی حق تجاوز به این حریم را ندارد. در کشورهایی که جنبش زنان به لطف مبارزات رادیکال توانسته است دستاوردهایی را تصویب کند، قوانین جزائی مشخصی در این مورد وجود دارد. در سوئد از حدود صد سال پیش قانونی واضح شده که اگر زن نه همسرش مجبور به همجواری شود میتواند به دادگاه از همسر خود بدلیل تجاوز شکایت کند. متلک گفتن و آزار جنسی در اماکن عمومی هم طبعاً جرم خاص خود را دارد. اما جدا از اینک این قوانین چگونه هستند و چگونه عمل میکنند، مسئله پذیرش این حکم است که حریم شخصی انسان قابل تجاوز نیست.

## بوسه اسلامی به دست خامنه ای!

## ندا از تنکابن

دیشب در تلویزیون لاریجانی خامنه ای را نشان داد که به بم رفته بود. آنقدر خنده دار بود که جای شما واقعا خالی بود. خامنه ایی کلاه مسخره ایی سرش گذاشته بود، کاپشن سفیدی پوشیده بود تا به اصطلاح تغییر قیافه بدهد و مردم او را نشناسند!!

برنامه کاملاً مسخره که باید میدید چطور دوربینها او را دنبال میکردند. آنقدر احمق که حد نداشت.

زنی او را به اصطلاح "شناخت" و از خامنه ایی خواست که دستش را ببوسد. خامنه ایی فوراً دستش را دراز کرد، زن گفت آن دست شما، یعنی دست معلولش را بدهد!

خامنه ایی روی دستش پارچه "چفیه" انداخت و آن زن احمق، دستش را بوسید. امروز هر کسی را دیدم از برنامه مسخره این بوسه اسلامی صحبت میکرد. امیدوارم کسی آن را ضبط کرده باشد، به دیدنش و خندیدن به آن می ارزد.

ادامه

## ۸ مارس امسال

اسلامی، و قوانین ضد زن اسلامی افشاگری کرده و اعتراض کنیم. برگزاری سمینارهای متعدد در نقد دخالت اسلام در زندگی زنان و در افشا ابعاد وحشتناک جنایت اسلامیون در ایران و عراق و افغانستان و کشورهای منطقه خاورمیانه بر علیه زنان و در دامن زدن به یک مبارزه جهانی علیه اسلام سیاسی و علیه دخالت مذهب در زندگی زنان یک تم مهم هشت مارس امسال میتواند باشد. ما در اروپا و غرب در عین حال باید به نقد جریانهای پیردیزیم که با اسلام سیاسی و جریانهای فاشیست اسلامی همسویی کرده و از یک موضع ضد امپریالیستی و راست، اسلام سیاسی را باد زده و عملاً بر علیه منافع زنان حرکت میکنند. خلاصه کنم هشت مارس امسال میتواند به معنای اعلام نبردی بین المللی با اسلام سیاسی و دخالت اسلام و مذهب در زندگی زنان باشد. اعتراض میلیونها زن در کشورهای اسلام زده بر علیه دخالت اسلام و قوانین اسلامی در زندگی زنان و بر علیه تروریسم اسلامی، باید در سطح دنیا منعکس شده و باعث تقویت و همسویی مبارزه بشریت متمدن بر علیه اسلام سیاسی و دولتهای غربی مدافع و هم پیمان با این اختاپوس هولناک بشود.

ادامه

## مصاحبه با هما ارجمند

و خاورمیانه را مد نظر داریم. برنامه دیگر ما، یک تظاهرات قدرتمند علیه دادگاههای شریعه مقابل مجلس کانادا است. میخواهیم کاری کنیم که دولت کانادا رسماً حرکات مذهبی از این دست را محکوم کند و در مجموع میخواهیم با اتکا به کلیه انسانیهای مترقی و آزادی خواه دست این جماعت مرتجع را از زندگی مردم کوتاه کنیم. آزادی زن: دست شما را به گرمی میفشاریم و برایتان آرزوی موفقیت میکنیم.

پانلیست، که سی بی سی، کانال تلویزیون سراسری کانادا، هم میخواهد از آن گزارش تهیه کند. اطلاعیه این پانل در نشریات مختلف آمده است. در این پانل افشا همه جانبه جنبش اسلامی در منطقه و در جهان، عواقب دادگاههای شریعه برای جنبش زنان، نقش مولتی کالچرالیسم در پر و بال دادن به حرکتهایی از این دست و جنایات اسلام سیاسی در ایران

## غریبه را در ۱۴ سالگی مجبور به ازدواج کردند! به عنوان اعتراض با لباس سیاه عروسی کرد!



**پروین کابلی:** غریبه حسینی سخنگوی کمیسیون بین المللی دفاع از حقوق زنان و واحد هسینگوری، سوئد میباشد. او اولین سخنران کنفرانس فستیوال گل میخک سفید بود که با تم جوانی و عشق، سکولاریزم و مذهب در ۲۰ ژانویه ۲۰۰۶ در گوتنبرگ سوئد برگزار گردید. خبرنگار یوتیوبی پست با غریبه حسینی مصاحبه ای انجام داد که در روز ۲۱ ژانویه چاپ گردید. متن زیر ترجمه این مصاحبه میباشد.

غریبه حسینی اکنون ۳۹ ساله است، امروز در کنفرانس فستیوال گل میخک سفید در مورد تجربیات خود سخن گفت. این کنفرانسی است که بیاد فادیمه سهندال که دو سال پیش بدست پدرش کشته شد در گوتنبرگ برگزار میشود. غریبه میگوید: وقتی ۱۴ ساله بودم پدرم تصمیم گرفت که من باید با مردی ۳۹ ساله ازدواج کنم. در ابتدا من فکر میکردم که او با من شوخی میکند. من برای خودم آرزوها داشتم.

میخواستم پرستار بشوم. اما پدرم فقط یک جمله گفت: در این مورد دیگر بحثی نداریم. مادرم تلاش بسیاری نمود که به من کمک کند ولی فایده ای نداشت. در هنگام عروسی تصمیم گرفتم علیرغم مخالفت خانواده ام، به نشانه اعتراض، لباس سیاه به تن کنم. هنگامیکه ۸ ماهه حامله بودم، همسرم که بدلیل ناراحتی روحی پدرش را تا سرحد مرگ کتک زده بود به زندان افتاد. من به خانه پدرم برگشتم و موفق به جدا شدن از او شدم. اما دختری که بدنیا آوردم فقط چهل روز

ادامه

### اگر این مردها بودند که عادت ماهانه می شدند!

و دین، زنان به رغم بیگانگی با ریتم جهان هستی، یا نداشتن مرگ و رستاخیز نمادین ماهانه، میتوانند صاحب نظر باشند؟ لیبرالها سعی خواهند کرد که در هر زمینه‌ای مهربان باشند. آنها توضیح میدهند: خود این واقعیت که "این اشخاص" قابلیت سنجش زندگی یا پیوند یافتن با جهان هستی را ندارند باید برای تنبیهشان کافی باشد. و زنان برای واکنش "درست" نسبت به این امر چه آموزشی خواهند دید؟ میتوان تصور کرد که زنان سنتی با خودآزاری همیشگی و لبخند بر لب با همه این بحثها موافقت خواهند کرد. "هرا خدای بزرگ مونث، زنان خانه دار را وا میدارد که ماهی یکبار به خود

زخم بزنند": فیلیس شلافلی، "خون شوهرت مثل خون مسیح مقدس است، و خیلی هم سکسی!" "مارابل مورگان"، اصلاح طلبان و جاه و مقام جویان سعی میکنند از مردان تقلید کنند و وانمود کنند که آنها هم عادت ماهانه دارند. همه فمینیستها یک ریز به شرح و توصیف این امر خواهند پرداخت که همانطور که زنها نیازمند فرار از غل و بندهای رشک عادت ماهانه‌اند، مردان نیز به رهایی از قید تصور غلط از پرخاشگری جنگجویانه نیاز دارند. فمینیستهاهای رادیکال خواهند افزود که سرکوب زنان به دلیل نداشتن عادت ماهانه الگوی تمامی انواع سرکوبهای دیگر است. "خون آشامان نخستین مبارزان راه آزادی ما بودند!" فمینیستهاهای فرهنگی به تصویر پردازیهای هنری و ادبی بی‌خونی شکل خواهند

پیش من ماند و من هرگز او را دیگر ندیدم. یکی از بستگان شوهرم سرپرستی او را بعهده گرفت. غریبه حسینی که اهل سفر ایران است میگوید: سال گذشته یک دختر ۱۵ ساله در هسینگوری که از کشوری اسلام زده آمده است و مجبور به ازدواج شد. پسر من با صورتی گریبان به خانه آمد و ماجرا را تعریف کرد. او در همان کلاسی درس میخواند که پسر من. به نظر غریبه هرکسی میتواند مذهبی باشد و یا نباشد، ولی تبلیغات مذهبی نباید وسیله برای آزار کودکان باشد و آنها را هدف قرار دهد. همه کسانی که در سوئد زندگی میکنند باید از حقوق برابر برخوردار شوند. غریبه همانند فعالین کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران معتقد است که مذهب یکی از بزرگی ترین عوامل حقوق نابرابر زنان است و خواهان ممنوعیت حجاب اجباری برای کودکان است.

داد. فمینیستهاهای سوسیالیست اصرار خواهند ورزید که تنها در حکومت سرمایه‌داری است که مردان میتوانند خون قاعدگی را به انحصار خود درآورند. به راستی، اگر مردان بتوانند قاعده شوند، توجیهات قدرت، احتمالا تا ابد ادامه خواهد یافت. اگر ما جلوی آنها را نگیریم.

## عروس از آرایشگاه فرار کرد!



شهلا خباززاده

بنا به خبری از سایت حادثه، در ۵ بهمن ماه، عروس ۲۲ ساله ای وقتی متوجه شد قادر به مجاب کردن خانواده اش در مخالفت با ازدواج با یک مرد سالخورده نیست، از آرایشگاه فرار کرد.

در پی شکایت والدین دختر و بررسی موضوع ماموران متوجه شدند، این دختر از یک ماه پیش با والدین خود اختلاف داشته است و از آنجا که آنها او را وادار به ازدواج تحمیلی کرده بودند، دختر در آرایشگاه پس از ارتباط تلفنی با جوانی که به او علاقه مند بوده به اتفاق او متواری میشود و قصد خارج شدن از مرز به طرف افغانستان را داشته که دستگیر میشوند.

ماجرا اینگونه از زبان دختر آمده است: از دو سال پیش به حمید جوانی که همراه او فرار کردم علاقمند شده ام و با آن که او چند بار از من خواستگاری کرده است، اما والدینم به دلیل فقر مالی حاضر به قبول او نیستند. یک ماه پیش پدرم به خانه آمد و گفت باید به زودی به عقد مردی در بیایم که امکانات مالی خوبی دارد، وقتی مخالفت کردم او و مادرم مرا کتک زدند، این مرد ۶۸ سال دارد و ۱۰ سال نیز از پدرم بزرگتر است. من تصمیم به فرار گرفتم، اما آنها مرا کنترل میکردند تا اینکه روز عقدکنان که مرا به آرایشگاه بردند به اتفاق

حمید فرار کردم. عروس در حالی که میگریست خواست تا او را به زندان بفرستند، او گفت: زندان بهتر از زندگی با مردی است که از پدرش بزرگتر است. این عروس هم کبری رحمانپور دیگرست!! کبری قربانی فقر شد و برای نجات خانواده تن به ازدواج با مردی داد که از پدرش هم بزرگتر بود. این خبر باز نمونه ای دیگر از کابوس وحشتناک ازدواجهای تحمیلی تحت قوانین ضد زن اسلامی در ایران است، زندگی هزاران هزار دختری که قربانی فقر و ناداری شده از از یک زندگی انسانی محروم میشوند و هر روزه در آن جهنمی که زندگی نامیده میشود تحقیر و توهین و تجاوز قرار میگیرند. حق هیچگونه انتخاب و تصمیم گیری را ندارند. مسبب واقعی این جنایتها رژیم اسلامی است که مردم را به زندگی در فقر و تنگدستی وا داشته است، باید به این شرایط غیر انسانی اعتراض کرد باید بر علیه قوانینی که جنایت و بیحقوقی و خشونت علیه زنان را به رسمیت میشناسد و از آن حمایت میکند اعتراض کرد.

از سایت سازمان آزادی زن دیدن کنید

www.azadizan.com

نشریه آزادی زن را تکثیر و پخش کنید!

## جدل با یک مدافع حجاب



### مهرنوش موسوی:

مریم عزیز سلام!  
ما خواهان "آزادی کامل و بی قید و شرط انتقاد و نقد، آزادی انتقاد به کلیه جوانب سیاسی، فرهنگی و اخلاقی و ایدئولوژیک جامعه هستیم. ما خواهان لغو هر نوع ارجاع در قوانین، به باصطلاح مقدسات ملی و میهنی و مذهبی و غیره، به عنوان عامل محدود کننده آزادی نقد و اظهار نظر مردم هستیم. ما خواهان ممنوعیت هر نوع تحریکات و تهدیدات مذهبی و ملی و غیره علیه آزادی بیان آزادانه نظرات افراد هستیم. ما از آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تحزب و تشکل سخن میگوییم. ما از آزادی مذهب و بی مذهبی دفاع میکنیم. ما خواهان تبدیل شدن مذهب به امر خصوصی افراد هستیم. پایین کشیدن نظام اسلامی و پایان دادن به بساط دولت مذهبی و قوانین خشونت بار اسلامی را حق مسلم مردم و خود میدانیم. ما حق خود و کلیه منتقدین دین میدانیم که بر علیه کل فلسفه مذهب، بر علیه خدا و اعتقادات دینی، نقد روشنگرانه و رادیکال خود را مطرح کنند. جنبش نقد دین به اندازه خود دین قدمت تاریخی دارد. در نتیجه باید بگویم که اولاً ارجاع شما را به اینکه "باورهای یک ملت بیچاره" مورد یورش قرار میگیرد به دو دلیل نمیپذیریم: ۱- اسلام، حجاب و قوانین اسلامی را باورهای اعتقادی مردم ایران نمیدانم. این قوانین منبعت از حاکمیت زور است. ایران هیچگاه کشوری اسلامی نبوده است. به زور سرنیزه اسلام را به مردم تحمیل کرده اند. در ایران یک جنبش عظیم نقد و رویگردانی مذهبی وجود دارد. تحولات سیاسی ایران بساط دستگاه دین و حکومت را به مصادف طلبیده است. این حکم را حتی خود مقامات نظام هم قبول ندارند. خودشان صفهای خالی نماز جمعه و مساجد و دعای کمیلشان را نشانان خواهند داد. اگر مردم ایران به اسلام و قوانینش باور داشتند، لزومی به کشتار، اعدام و

شکنجه و زندان و خفقان نبود. بیش از ۱۵۰ هزار اعدامی، فرزندان "ملتی" هستند که از روز اول به اسلام و حکومتش نه گفته اند. از آزادی و حق انتخاب محرومشان کرده اند. ۲- آزادی بیان و نقد و انتقاد، در خود قابل احترام است و باید به عنوان حقوق پایه انسان، بدون چون و چرا به رسمیت شناخته شود. ارجاع به باورهای مذهبی، به کثرت طرفداران این یا آن اعتقاد ملی، مقدس و مذهبی، به محدود کردن آزادی نقد و انتقاد منجر میگردد. هر گونه تبصره ای برای محدود کردن آزادی نقد، خود عملی غیر آزادیخواهانه است. تمام خاصیت این اصل، ملزم کردن رعایت آن بویژه از سوی مورد نقد قرار گرفتن است. مذهب فلسفه ای است که همیشه مورد تعرض و نقد رادیکال بشر در طول تاریخ بوده است. اگر نقد نبود، رنسانس و خلاصی و پیشرفت بشر در تمامی زمینه ها امکان پذیر نبود. از نظر من نقدی به مذهب حقانیت دارد که بی رحمانه و رادیکال، آوانگارد و مستدل و تیز اساس این فلسفه متحجر را به مصادف بطلبد. هر گونه آوانسی و نرمی با این فلسفه ضد بشری، به ضرر مبارزه و حیات آدمی است. قائل شدن محدودیت ولو برای نحوه و شیوه بیان افراد در نقد دین، خود نقض حق آزادی نقد است. در مملکتی که در چند سال اخیر جنبشی به نام "روشنفکران نو اندیش دینی" به راه انداخته اند، صحبت کردن از ملاطفت با دین، با توسل به اینکه گویا این قوانین جزو باورهای "ملت" است، توسل به اینکه که گویی اشکال کار اسلام در رفتار مسلمان نماهاست، به جز تقسیم اسلام به خوش خیم و بد خیم و بیرون بردن آن از زیر ضرب جنبش عظیم ضد مذهبی مردم ایران منجر نمیشود، راهی که پیموده و با شکست مواجه شده است. این جنبش را به راه انداختند تا جلو مقبولیت و گسترش نفوذ همان جنبش تند و تیز و آوانگارد را در میان "ملت" بگیرند. هدف از این لطافت، صرفاً تعمیراتی در دین

نمود، ایستادن در مقابل یک انقلاب زیرو روکننده ضد مذهبی در شرف وقوع بود. نقدها و غرو لندهای بی ویتامین علیه مذهب، خود جزو تلاش جیوانانه جنبش ملی مذهبی برای نجات آن بود. مردم تشنه حرفها و نقدهای رادیکال و یک نه عمیق به مذهب و حکومت مذهبی هستند.

بالاخره اینکه مذهب از ظرفیت نقد مخالفین خود بیش از یک قرن است که مطلع است، دستگاه دین رنسانس را تجربه کرده است، دستگاه دین و حکومت دینی هیچگاه نمیتواند، نقد و نظر مخالف را تحمل کند، دین با آزادی در هیچ سطحی آشتی پذیر نیست. مذهب خود سلب اختیار، آزادی و آگاهی انسان است. در خود این فلسفه، بی خدایی شرک و کفر است، سزای آن از قبل معلوم شده است. آتش جهنم و سوزاندن و قتل و شکنجه مخالف، بیان کاملاً "محترمانه" سلب حق مخالفت و نقد در این روش اعتقادی پوسیده و متحجر است. این ما بی خدایان هستیم که از آزادی مذهب و بی مذهبی هر دو و همزمان دفاع میکنیم. هیچ جنبش سیاسی مذهبی در طول تاریخ سراغ ندارید که از حق مخالفین و بی خدایان و مذهب ستیزان دفاع نموده باشد. هم تاریخ کلیسا و هم تاریخ سایر ادیان و اسلام، بر عکس، تاریخ کشت و کشتار مخالفین خود، تاریخ گیوتین، سوزاندن، اعدام و سنگسار بوده است. مذهب را به خاطر همین ظریفتهای ضد آزادیخواهانه، ضد چپ و سرکوبگرانه اش برای حفظ وضعیت موجود سرپا نگه داشته اند.

و اما در مورد حجاب:

۱- من شخصا حجاب را نه جزو پوشش فرد و نه ولو در به ظاهر اختیاریترین شکل برگزیدش، اختیاری و آزاد میدانم. من باور نمیکنم که برده ای غل و زنجیرهایش را به نشان افتخار و آزادی انتخابش نشان من بدهد. من باور نمیکنم که به قول حمید تقوایی زن تهرانی، شیرازی، اصفهانی و .. در لیست لوازم و البسه خود یک تیک هم روی مقنعه و

برقع و چادر و... بزند. حجاب هیچگاه پوشش نبوده و نیست و هیچگاه انتخابی نبوده و نیست. حجاب هیچگاه جزو فرهنگ زن نبوده و نیست. حجاب را یا با توسل به ترساندن و ارعاب، یا تحمیق و در اغلب موارد به زور سر زن و کودک میکنند. برای تحمیل حجاب، از کودکی آغاز میکنند. با ترس و کتک و تشر و آزار، کودکان را وادار به پذیرش حجاب میکنند. هیچ کودکی که ترسانده و تحمیق و مرعوب نشده باشد، بازی و شادی و پریدن و کودکی کردن را به آشنا شدن به تعیض جنسی و آتش جهنم و حق تعرض مردان و محرومیت از آزادی ترجیح نمیدهد. حجاب و کودک آزاری در طول تاریخ این فلسفه سیاه، رابطه مستقیمی داشته و دارند. حجاب سند سلب هویت انسانی فرد در جامعه است. در عرصه حقوقی بر این باورم که حجاب اجباری باید لغو شود و مقامات حکومت اسلامی به خاطر تحمیل و اجبار به زن، محاکمه و به پرونده شان رسیدگی شود. حجاب کودک کلا و کاملاً باید ممنوع شود. حجاب باید در کلیه محیطهای آموزشی و فعالیت اجتماعی کاملاً ممنوع شود. در کلیه اوراق هویتی و اداری، کاری و شناسنامه ها و مدارج علمی و مدرسه و دانشگاهی، گواهینامه رانندگی تا کارت بانکی باید عکس زنان با حجاب به خاطر ارجاع آشکار فرد به هویت اسلامیش ممنوع شناخته شود. این حقوق را باید در سطح بین المللی در کلیه اسناد حقوق بشر، کنوانسیونهای رفع تبعیض از زنان و حقوق کودک درج کرده و خواستار این شد که خاطیان آن مورد پیگرد قانونی قرار بگیرند.

اما در نقد پایه ای حجاب راه دوری نرویم، دقیقاً با استناد به همین دلایلی که خود شما از حجاب دفاع و به عنوان تجربه گزینه آزادانه خود آن را ذکر میکنید، مخالف این ادعا هستم که این انتخاب اختیاری و آزادانه بوده است. این ادعا متناقض با اصل و حق مصون داشتن کودک از هرگونه دست اندازی مذهب و اعمال مذهبی است. مغایر اصل حمایت از کودک

## کارزار علیه خشونت

## یا کاسه لیسی برای حکومت!



ناهید ریاضی

تعدادی از خانمها و آقایان ظاهراً «خشونت ستیز» بتازگی عزم جزم کرده اند که با نوشتن «عجزنامه ای» خدمت خامنه ای و خاتمی و هاشمی شاهرودی از بارگاه این دایناسورهای خونخوار تقاضای تلاش برای بهبود وضعیت زنان و تضمین برابری حقوق زن و مرد را نمایند!

اینها در طوماری نوشته اند: «با درک اینکه حقوق زنان حقوق بشر است، با محکوم کردن خشونت رسمی علیه زنان ایران به شکل قتل‌های ناموسی، کودک آزاری، خشونت خانگی و آزار جنسی در محل کار از جمله اخراج از کار به خاطر جنس، ... ما به کارزار «زنان و مردان علیه خشونت تا ۸ مارس» که توسط زنان در ایران آغاز شده می پیوندیم و از این رو از شما می خواهیم که تلاشهای لازم را به منظور انجام اقدامات زیر انجام دهید: تضمین برابری حقوق زن و مرد در برابر قانون و اجرای قانون، تصویب لوایح برای برخورد با کودک آزاری و خشونت خانگی به عنوان جرایم جنایی، تامین خانه های امن برای کودکان و زنان تحت آزار و خشونت، انجام اقدامات لازم به منظور پایان دادن به قتل‌های ناموسی، شناختن حق اشتغال زن و منع قانونی آزار جنسی در محیط کار»!

این آقایان و خانمها که گویا دلشان از خشونت خانگی بر علیه زنان در ایران به درد آمده، یکدفعه متوجه شده اند که برای مبارزه با خشونت باید دست به دامن جنایتکارانی که دستشان به خون مردم آغشته است و طی ۲۵ سال حکومت ننگین خود نه فقط خشونت بر علیه زنان، بلکه یک آپارتاید کامل جنسی بر علیه آنان و

ادامه

## جدل با یک مدافع حجاب

برای نداشتن مذهب و سنت و تعصب و پیوستن به فرقه مذهبی است. شما چگونه میتوانید از آزادی انتخاب سخن بگویید در حالیکه که یک کودک ۹ ساله را برای رعایت حقوق و آزادی باید از تحمیلات و سنن مذهبی بطور کلی دور نگه داشت. وقتی که حجاب کودک نقض صریح و آشکار حقوق انسانی فرد است.

در دین اسلام، کودک ۹ ساله را میتوان به زور شوهر داد. محمد اسلام به عایشه ۷ ساله تجاوز و اسم آن را ازدواج شرعی گذاشت. آیا ولو اینکه بر فرض محال کودکی ادعا کند که من به خواست خود شوهر میکنم، باید جامعه اجازه دهد که چنین امری صورت بگیرد؟

داستان حجاب، نه از پوشش و آزادی اختیار انسان که از سلب حقوق ابتدایی کودک و زن آغاز میشود. از یک نوع بربریت بی نظیر و سیاه علیه انسان در اوان کودکی خود. واقعیت این است که برای عادت دادن زن به بی حقوقی و سلب اختیار، باید از ۹ سالگی و حتی از خیلی قبلتر آغاز کرد. وقتی یک دختر بچه را از ۹ سالگی و در این سن کم با تفاوت و تبعیض جنسی بر محور حجاب اینگونه آشنا کرده اند، نام این عمل را من آزادی انتخاب نمیگذارم. این سلب آزادی و حقوق کودک است.

شما میخواهید ثابت کنید که محجبه بودن یک کودک ۹ ساله باعث احترام مردان به او میشود. آیا مگر قرار و فرض بر این بوده است که مردان حق بی حرمتی به دختر بچه های ۹ ساله غیر محجبه را دارا

به سرنگونی اسلامی ایران خواهد بود. این چهار دست و پا خزیندها به محظر «امام خامنه ای و حجت الاسلام والمسلمین خاتمی و آیت الله شاهرودی»، تنها روی این کاسه لیسان را نزد مردم سیاه تر می نمایند. اگر اینها کمی عاقل بودند، حداقل مثل نمایندگان مجلس اسلامی، استعفا می دادند، البته از شغل دائم کاسه لیسیدنشان! اگر اینها کمی عاقل بودند تکلیف حکومت اسلامی

هستند؟ چه کسی و کجا این فرض و حق را قائل شده است؟ آیا فلسفه حجاب همین جا از سلب حق و آن هم سلب حق و مصونیت کودک آغاز نمیکند؟ "رودربایستی و حیا" داشتن مردان در مقابل کودک محجبه شاه کلید اخلاق منحط و بیمارگونه اسلامی در اعطای حق تعرض مرد و حق انجام کارهای غیر محترمانه با کودک و زن غیر محجبه نیست؟ آیا جشن تکلیف را به همین خاطر نیست که برگزار میکنند؟

اگر این ترسانان و مرعوب کردن یک بچه ۹ ساله نیست، شما بگویید که چیست؟ اگر اسم این دادن حق امتیاز مادام العمر تعرض جنس برتر به کودک و زن نیست، پس چیست؟ اگر معنی بازگویی این تجربه اعلام این امر نیست که مردان اسلام را حتی پیکر یک بچه ۹ ساله "تحریک" میکند و نه فقط این، بلکه این کودک است که باید این پیکر "تحریک کننده و شیطانی" را برای جلب "احترام" و ترس از عدم تعرض بیوشاند، پس چیست؟ این اگر احساسات مرد را، گیریم که اسم این تفسیر بیمارگونه را احساسات بنامیم، اصل قرار دادن نیست پس چیست؟ اگر این حتی تصویر حیوانی دادن از خود مردان نیست که میتوانند با یک بچه ۹ ساله هم "غیرمحترمانه" رفتار کنند، بیمار و وحشی هستند چیست؟ چند مورد را خود شما به چشم دیده و با گوش شنیده اید که به متعرضین مرد حق داده اند، چون در حین ارتکاب به این عمل، زن و یا کودک خود را نپوشانده بود؟ به یاد دارید دادگاه افسانه نروزی را که قاضی از چند و چون لباس حوله ای وی در زمان تعرض مردی به وی سؤال کرده

و باور کنید که این خود اسلام است. نص صریح قرآن است. دلپذیرتر از آزادی و رعایت شان و حرمت انسانی وجود ندارد. برای اعاده این حرمت و حقوق کودکان، آزادی زن و ساختن یک جامعه انسانی شما را به پیوستن به صف مبارزه این جنبش دعوت میکنم.

و مبارزه واقعی بر علیه خشونت بر زنان را بعهده میلیونها مرد و زن و جوانی می گذاشتند که کابوس مرگ رژیم را مدت‌هاست که ندا داده اند!

در لیست امضای کارزار کاسه لیسی اینها فقط دوم خردادیهای

بازخواست میکرد؟ آیا در طی این ۲۵ سال با وجود تحمیل حجاب، و دقیقاً به خاطر اعطای این حق تعرض نیست که به عکس آمار نجومی تعرض به زن و کودک بالا رفته است؟ اسم این را شما آزادی انتخاب و پوشش و یونیفورم خود میگذارید و به آن میبایلد؟ چرا نپرسیدید که به جای بیچاندن شما در چادر حجاب، به جای اعطای امتیاز تعرض به کسی به نام جنس برتر، به نام مردان، چرا جلو این تعرض و متعرض کننده را نمیگیرند؟ چرا نگفتید من کودکم، با من از تبعیض جنسی و تفاوت زن و مرد نگویند، با من از مذهب نگویند، با من از حجاب و آتش جهنم و تعرض مرد نگویند، اجازه بدهید کودکی کنم؟

نمیتوانستید! قدرتش را نداشتید! کودک بی دفاع ترین فرد جامعه است. به این خاطر اسلام از اینجا آغاز میکند و بعدها به اسید، پونز و چاقو میرسد. مگر نه اینکه ۹ سال فرصت داده اند که با زبان خوش، دختران بدنشان را بیوشاند. بدنی که در فلسفه اسلام شیطانی است، عامل فساد است. نام دشنه ها روی هوا چرخانده شده و نعره های یا روسری یا توسری را چه میگذارید؟

ورشکسته، توده ای اکثریتی های آبرو باخته و منفور قرار دارند. ۸ مارس روز جنبش ماست. ربطی به کسانی که کل حیات سیاسییشان بر علیه مردم دیروزگی کردند ندارد.

از سایت سازمان آزادی زن

www.azadizan.com

## اگر این مردها بودند که عادت ماهانه می شدند!

خواهند ورزید که زنان مساوی و صرفا متفاوت، هستند، و هرزنی به شرط تمایل به وارد آوردن زخمی جدی به خود در هر ماه ("باید برای انقلاب خون بدهی")، میتواند با تشخیص اولویت کامل مسائل روشنگری) خود را شخصا مطیع و متاع برای تمامی مردان دانستن، به صفوف آنان بپیوندد.

لات‌های خیابان لاف خواهند زد ("من از اون مردایی‌ام که یه جا سه نوار بهداشتی مصرف میکنم") یا در جواب تعارف رفیقی ("بابام، حسابی سر حالی‌ها!") ضمن پنجه به پنجه طرف کوفتن پاسخ میدهند "چه جورم! آخه رکلم!" شوهای تلویزیونی به درازا به این مطلب میپردازند "روزهای خوش زندگی": ریچی و پانتسی سعی میکنند فونزی را متقاعد کنند که گرچه دو ماه است پریودش عقب افتاده "همان فونز همیشه‌گی" است. روزنامه‌ها هم از این غافل‌ه عقب نمی‌مانند، "خطر حمله کوسما مردان پریود شده را تهدید میکند. قاضی در تبریته متجاوز جنسی از تنش ماهانه نام میبرد و همینطور فیلم‌های سینمایی، (نیومن و ردفوردر در "برادران خونی!") مردها زنها را متقاعد میکنند که لذت نزدیکی «درطول آن دوره ماه» بیشتر است. به لژیون‌ها گفته میشود که از خون و به تبع آن از خود زندگی میترسند، هرچند احتمالا تنها دلیلش نیاز آنها به مرد خوبی است که عادت ماهانه شود.

البته، مردان روشنفکر حسبالمعمول اخلاقی‌ترین و منطقی‌ترین بحث‌ها را ارائه میدهند. برای مثال، چطور ممکن است یک زن بدون آن قابلیت ذاتی و جیلی در اندازه‌گیری چرخه‌های ماه و ستارگان‌بو به تبع آن در دانستن اندازه هر چیزی، حتی بر یکی از آن رشته‌هایی که نیازمند درکی از زمان، فضا، ریاضیات، یا مقیاسها هستند مسلط شود؟ آیا در عرصه‌های رفیع فلسفه صفحه ۴

بخشهایی از نوشته گلوریا اشتاینم، که توسط فیروزه مهاجر از تریبون فمینیستی ایران ترجمه و در این سایت به چاپ رسیده است. این نوشته توسط شهلا جبارزاده دستیار آزادی زن برای نشریه انتخاب شده است.

.... اگر، ناگهان، در اثر معجزه‌ای، مردان بتوانند قاعده شوند و زنان نتوانند چه اتفاقی می‌افتد؟ جواب روشن است، عادت ماهانه تبدیل به واقعه‌ای رشکبرانگیز و درخور مباحثات می‌شود: آنوقت مردها میتوانند درباره طول مدت و مقدار آن لاف بزنند. پسرها آغاز قاعدگی را، این سند مردانگی رویایی‌شان را، با آیین‌ها و مراسم مذهبی و مهمانیهای مردانه جشن خواهند گرفت.

کنگره، بودجه تاسیس "موسسه ملی قاعدگی دردناک" را برای ریشه‌کنی دردها و ناراحتیهای ملازم با عادت ماهانه تصویب خواهد کرد. بودجه لوازم بهداشتی لازم را دولت مرکزی تقبل خواهد کرد و همه چیز مجانی خواهد بود. (البته، برخی مردان کماکان به خاطر پرستیژ، اقدام به خرید مارکهای تجاری مشهوری نظیر تامپون‌های جانوین، نوارهای بهداشتی قتیله پیچ کردن یک احمق" محمد علی‌کلی، حفاظ ماهانه جو نمت جاک "برای آن روزهای بی‌قید و بی‌خیال تجرد،" و نوارهای سایز بزرگ رابرت "برتا پلیک" خواهند کرد.)

نظامی‌ها، سیاستمداران راست، و بنیادگرایان مذهبی از عادت ماهانه (عادت مردانه؟) سندی می‌سازند در تایید این امر که تنها مردان میتوانند در ارتش خدمت کنند ("برای یافتن حق ریختن خون دیگران باید از خون خود گذشت")، مقامات سیاسی را اشغال کنند، کشیش و واعظ شوند ("چطور ممکن است یک زن بتواند برای زدودن گناهان ما خون بدهد؟") یا متکلم و فقیه ("زنان، بدون تطهیر ماهانه از ناپاکی‌ها، نجس‌اند"). اما، رادیکال‌ها، سیاستمداران دست چپی و عرفا، اصرار

به کار مهمی خواهید زد. همچنین شما می‌توانید با دعوت و انجام مصاحبه با مبارزان شناخته شده در مورد حقوق زن در سطح جهانی به روشنتر شدن نکات گوناگون و کمک به سطح فکری مخاطبان کمک شایانی کنید. و در آخر به شما پیشنهاد معرفی مرتب کتب و مقالات مهم و مفید ایرانی و خارجی در باره مسائل کاری خود را می‌کنم که با انجام این مهم دست به ارتقا سطح فکری دوستان خود بزنید.

در خاتمه با آرزوی بهروزی و پیروزی برای شما و برای همه دوستان مبارز خود، به این نامه پایان می‌دهم و مژده آن را داده که با بررسی تمامی جوانب کار، هر روز به فکر ارائه نکات جدیدی که سهم مهمی در پیشبرد اهداف ما و شما دارد خواهم بود، و این نکته را به فال نیک گرفته و بی‌صبرانه انتظار همکاری تنگاتنگ با شما و در کنار شما در ایران سنگر والا را در ذهن خود می‌پرورانم. موفق و سربلند باشید

**مهرنوش موسوی:** سعید عزیز پیشنهادات شما را بخشا عملی کرده و بخشا، چشم حتما عملی میکنیم. نشریه آزادی زن یکی از معتبرترین نشریاتی است که امکان ابراز وجود سیاسی همه دست اندرکاران جنبش را فراهم نموده است. محصول این تلاش، جمع آوری شبکه‌ای از دوستانی است که هم از داخل، هم از خارج مدام در فکر نوشتن و ارسال خبر و گزارش و فرمت نشریه هستند. من خواهان پیوستن شما هم به شبکه همکاران و علاقه‌مندان همکاری با نشریه هستم. چشم به راه کارهای خوبتان هستم.

### مردسالار خانواده من مادرم بود!

کنتک می‌زد، خسته شدم، به پلیس مراجعه کردم، گفت: کو خانم؟ نشان بده، من که اثری نمی‌بینم؟ مقنعه ام را عقب بردم تا به وی آثار کنتک را نشان دهم، ناگهان روی برگرداند و گفت: استغفراله خانم تو نامحرمی، هر چه باشه شوهرته باید باهاش بسازی. این غیر عادی نیست که مردی زنش را بزند، جنایت که نکرده، قتل که مرتکب نشده، لابد وظیفه ات را انجام نداده ای، او هم تو را تنبیه کرده.

اینجا به عمق بی‌حقوقی زنان پی بردم و فهمیدم که حکومت زن ستیز جمهوری اسلامی، دست مردان را نه تنها در کتک زدن زنان بلکه در قتل و جنایات آنان نیز باز گذاشته است، تصمیم گرفتم که از این جهنم که زن هیچ گونه حق و حقوقی ندارد و اصلا زن بودن در این جامعه جرم است فرار کنم و به آلمان بیایم.

اینجا بود که در لایبای نوشته‌های نشریه آزادی زن همدردان بسیاری را پیدا کردم و الآن نه تنها احساس تنهایی نمی‌کنم بلکه خود را عضوی از اعضای خانواده ای بسیار بزرگ میدانم. من امروز با امید به اینکه احقاق حقوق و حرمت با مبارزه امکان پذیر است، می‌خواهم علیه مردسالاری و خشونت به زن مبارزه کنم.

## سعید از ایران

با سلامی گرم به خدمت سرکار خانم موسوی و با عرض تشکر از توجهات جنابعالی به نامه بنده که باعث سرفرازی من شده است. در ادامه همکاریهای خود با شما و در راستای تحکیم ارتباط خود با شما دوستان عزیز اجمالا چند نکته را یادآور می‌شوم که می‌تواند سهم بسزایی در تغییر روند نشریه داشته باشد. البته چون بنده از شماره ۵۱ به بعد به واسطه الطاف دوست عزیزم م، با نشریه وزین و خوب شما آشنا شده ام، نسبت به درون مایه و مطالب سایر شماره‌های آثار شما اطلاعی ندارم. و به این خاطر که اکنون قصد ارائه چند نکته مفید را دارم ممکن است که دست به کار تکراری بزنم لذا شما در صورت بروز چنین تصادفی می‌توانید به بررسی سایر موارد مذکور بپردازید. با آرزوی سلامتی و پیروزی برای شما عزیزان

مورد اول اینکه به تخصیص صفحه ای برای خوانندگان و مخاطبان نشریه پرداخته تا ایشان بتوانند با فرستادن آثار خود سهم بسزایی در پیشبرد اهداف عالی شما داشته باشند و خصوصا بتوانیم فضایی مناسب برای ارائه مقالات گوناگون داشته باشیم. مورد بعدی اینکه با ارائه

ادامه

## ما چکار میتوانیم بکنیم؟

شما دیدن میکنم و از بعضی از مطالب آن خوشم می آید و از بعضی دیگر نه. آیا میشود از مشکلات پزشکی زنان بنویسید؟

پروین کابلی: سلام شهره جان! بسیار خوشحالیم که سایت ما را نگاه میکنید و بقول خودت بعضی از مطالب آن برایت جالب است. متأسفانه به دلیل اینکه نشریه صفحات محدودی دارد، نمیتوانیم این کار را بکنیم. ولی من این را با سردبیر آزادی زن در میان خواهم گذاشت.

### به فعالین آزادی زن در وان ترکیه

از فعالیت شما بسیار خوشحال هستم. تلاش کنید حتما فعالیت های خود را گسترش دهید. برای مشکلات پناهندگی که دارید باید با فدراسیون پناهندگان ایرانی تماس بگیرید. محبوبه عزیز، پیام شما را نیز برای ۸ مارس دریافت کردیم.

دهید. اگر بتوانید برای ما از محل کار و زندگیتان گزارش بفرستید، بسیار خوب است. زندگی روزمره زنان در محل کار، در خانه، نقش و دخالتشان در مسائل مختلف، نگرانی هایشان، همه و همه مسائلی است که میتواند برای نشریه و درج آن جالب باشد.

کار دیگری که شما میتوانید انجام دهید با دوستان و آشنایانتان در مورد سازمان آزادی زن صحبت کنید و نشریه را بدست آنها برسانید. آدرس سایت ما را هر جا که میتوانید بنویسید و به دیگر بدهید. حتما از خودت برای ما بیشتر بنویس و ارتباطت را با ما حفظ کن. موفق باشید.

**از مشکلات پزشکی زنان بنویسید!**  
شهره از تهران: من از سایت

میخوانیم و کارهای شما را دنبال میکنیم. ما زندگی خیلی سختی را میگذرانیم ولی فعالیت های شما امید و روشنی ما شده است. من خیلی خسته میشوم چون کار سختی دارم و باید زندگی خودم و دخترانم را تامین کنم. ما چه کاری از دستمان بر می آید و چه کار کنیم که فعالیت های شما را بتوانیم برای دیگران تعریف کنیم.

**پروین کابلی:** دوست عزیز! بسیار خوشحالم که شما با من تماس گرفتید. از اینکه توانسته اید زندگی خود را سازمان دهید، بسیار خوشحالم و برایت آرزوی موفقیت میکنم. قبل از هر چیز من از شما دعوت میکنم که به سازمان آزادی زن بپیوندید. این سازمان را مال خودتان بدانید و در آن به فعالیت بپردازید. شما میتوانید با دوستانتان یک جمع فعالین آزادی زن را تشکیل

پروین کابلی مسئول ارتباطات آزادی زن در ایران میباشد. از این پس میتوانید برای تماس با آزادی زن با پروین کابلی نیز ارتباط برقرار نموده و سؤالات و پیشنهادات خود را با وی درمیان بگذارید. ما در هر شماره آزادی زن، سؤالات شما و پاسخهای پروین کابلی را منتشر میکنیم.

**ف، ساری از اصفهان می نویسد:** مادر دو دختر بزرگسال ۱۶ و ۱۸ ساله هستم. چند سالی است که از همسر جدا شده ام و با دخترانم در زیر زمینی که کرایه کرده ایم زندگی میکنیم. خودم ۴۵ ساله هستم و کار میکنم. از مدتی پیش کامپیوتر خریده ام و این رونقی به زندگی خودم و دخترانم داده است. با شما از طریق اینترنت آشنا شده ایم و نشریه شما را

رئیس سازمان آزادی زن  
**آذر ماجدی**  
ای میل:  
azarmajedi@yahoo.com

سردبیر  
نشریه سازمان آزادی زن  
**مهرنوش موسوی**  
تلفن:  
0049 170 673 9503

ای میل:  
haftename@aol.com  
دستیار سردبیر

**امیر توکلی**  
تلفن:  
00358 405 821 776  
ای میل:  
tavakoli@hotmail.com

با ما تماس بگیرید  
azadizan@yahoo.com

آدرس پستی  
PO Box 42300  
London N12 OWY  
UK  
**به ما کمک مالی کنید**  
Lloyds Bank  
Account : 0972959  
sort code : 30-99-86  
369 Green Lanes  
Palmers Green  
London N13 4 JH/UK

نشریه آزادی زن  
پنجشنبه ها منتشر میشود



مریم آشتیانی

مردسالار جامعه بود، با اذیت من عقده هایش را خالی میکرد. وی ناتوان از کارهایی که این قوانین به عنوان وظیفه برایش خود را به گردن من می انداخت و با ورود پدر به خانه او را وادار می کرد که مرا به باد شلاق و کمر بند بگیرد. و این کار تقریباً هر روز تکرار می شد، تا آنجا که گاهی اوقات شک میکردم که او مادر حقیقی من باشد. من که در خانه پدر از محبت بی نصیب بودم به محض ابراز علاقه اولین مردی که سر راهم قرار گرفت، عاشقش شدم و با وی ازدواج کردم. به امید رهایی از جهنم خانه پدری. اما گویا که انسانهای له شده و تحقیر شده چنان مارکی به پیشانی دارند که بویژه مردان آن را خوب تشخیص میدهند. همسر من یکی از آنها بود. شوهرم بعد از مدت کوتاهی مرا به باد کتک گرفت و مرتب

گذارم و می گفت این کارها برای دلبری و فریفتن جوانان است و باعث فساد و گمراهی می شود. باید حتما موهائیت را کوتاه کنی. اما من دلم می خواست که زیبا باشم و موهایم قشنگ بود و اینکار را نکردم. تا اینکه یک روز که به مدرسه رفتم، همکلاسیهایم با دیدن من شروع کردند به خندیدن و تمسخر کردن، تعجب کردم، به سر تا پای خود نگاه کردم، لباسهایم مرتب بود، به خانم معلم نگاه کردم، او هم خندید و پرسید: چرا موهائیت این ریختی شده؟ به موهایم دست کشیدم در کمال ناباوری فهمیدم که مادرم شبانه و در حال خواب یک طرف موهایم را کوتاه کرده تا اینچنین مضحکه دیگران شوم. این موضوع را به خاطر اثر بسیار عمیق روحی که بر من گذاشت هرگز فراموش نمی کنم. مادرم که خود دچار عقده های روانی ناشی از فرهنگ و قوانین قرون وسطایی

هستم که خود دچار عقده های روانی ناشی از فرهنگ مرد سالاری و مناسبات مذهبی حاکم بر جامعه بود، تعجب نکنید اگر بگویم این زن مادرم بود. مردسالار زندگی و خانواده من مادرم بود. مادر من بیشترین رفتار خشونت آمیز را نسبت به من داشت. من تا دوازده سالگی آلمان بودم و فرهنگ این جامعه را پذیرفته بودم، همانطور که همه می دانید، دوازده سالگی سن بسیار حساسی است، دوست داشتم مرتب باشم، طوری لباس بپوشم و موهایم را مدل بدهم که زیبا باشد، عادت داشتم هر روز صبح دوش بگیرم. وقتی که به اسرار مادرم به ایران برگشتم، دنیایی تازه در برابر خود دیدم. دنیایی که کاملاً با آرزوهای کودکانه من بیگانه بود و من باید مثل مادر بزرگها رفتار میکردم. مادرم همیشه اعتراض داشت که چرا موهایم را کوتاه نمی کنم چرا موهایم را باز می

برای تماس از ایران لطفاً به این ایمیل  
نامه هایتان را بفرستید.  
infoazadizan@yahoo.se

به سازمان آزادی زن بپیوندید